

واکاوی مفهوم حرص در اخلاق اسلامی در پرتو احادیث امام رضا^(ع) محمد رضا جواهری^۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۰

چکیده

تحلیل مفهومی و تبیین مصداقی حرص هدف این مقاله است. در این پژوهش با مرجعیت علمی احادیث امام رضا^(ع) مفهوم و مصداق حرص و اقسام آن از نصوص رضوی استنباط شده است. مسئله اصلی تحقیق کشف کارکردها و موارد "حرص مقدس" در بیان عالم آل محمد^(ع) است. روش تحقیق توصیفی تحلیلی و بنیادی است و با مطالعات احادیث رضوی^(ع) حقیقت حرص ممدوح و مصداق و نمونه های آن آشکار خواهد شد. مطالعات و بررسی احادیث امام رضا^(ع) به انگیزه حرص شناسی نشان داد که عالم آل محمد^(ع) در مواردی مردم را بر حرص و رزیدن امر کرده اند. امام هشتم^(ع) با صیغه امر "احرصوا" در یک حدیث جامع سه سرفصل حرص ممدوح را به جهانیان آموزش داده اند. حرص بر "قضای حوایج مومنان" و "ادخال سرور بر مومنان" و "دفع مکروه از آنان" دستور امام رضا^(ع) بوده است. معطوف به احادیث رضوی با درایه الحدیث کلام سایر معصومین^(ع) نیز مصداق و نمونه های دیگری از "حرص مقدس" استنباط و تبیین شده است.

واژه‌های کلیدی:

کلید واژه: حرص ممدوح، حدیث، امام رضا^(ع)، اخلاق.

مقدمه

کوشش در راه مفهوم شناسی "حرص" و تبیین ساختار و قلمرو و اقسام آن در دانش اخلاق اسلامی ضرورت دارد و تاکنون این موضوع مهم با استناد به کتب لغت و به ویژه با اجتهاد بر اساس آیات قرآنی و احادیث اهل بیت^(ع) انجام نشده است. از این رو در متون کلاسیک علم اخلاق اسلامی تنها در ذایل اخلاقی جای گرفته است و در مکارم و فضایل اخلاقی از حرص یاد نمی‌شود. مسئله اصلی این تحقیق استخراج احادیث امام رضا^(ع) از کتب حدیثی معتبر و استنباط و تبیین موارد حرص مثبت از درون نصوص رضوی است. این پژوهش به پرسش‌های بنیادی حرص شناسی پاسخ می‌دهد. حرص در کلام امام رضا^(ع) چه جایگاهی دارد؟ آیا حرص در گفتار عالم آل محمد^(ع) رذیلت و مذموم و مطرود است یا فضیلت و ممدوح و مقبول؟ آیا حرص در رهنمودهای امام هشتم منهی عنه است یا مامور به؟ نگاه امام رضا^(ع) به حرص چگونه بوده است؟ اکنون رویکرد شیعیان به حرص چگونه باید باشد؟

لازم است قلمرو مفهومی حرص و ظرفیت لغوی و کارکردها و کاربردهای آن در قرآن و حدیث به درستی کشف و تحلیل شود تا حقیقت حرص مذموم و ممدوح و مرزها و تفاوت‌های آن‌ها آشکار شود. شایسته و سزاوار است در همه کتاب‌هاب اخلاقی در واژه حرص به "حرص ممدوح" و فضیلت و ارزش آن نیز توجه لازم صورت گیرد. انحصار کارکرد حرص در منابع اخلاق اسلامی مأثور به حرص مذموم از سوی مولفان این کتاب‌ها با کارکرد حرص در حدیث تعارض دارد. لازم است و پیشنهاد می‌شود سرفصل واژه حرص در کتاب‌های اخلاق نظری و عملی با توجه به توسعه مفهوم آن در حدیث تنظیم و تحلیل شود.

شناخت حرص ممدوح و دعوت به حرص ممدوح و جهت دادن به قوه حرص به سوی آن، از مهم‌ترین راهبردهای علاج حرص مذموم است. محقق در صدد است مفهوم دقیق حرص را بر اساس آیات قرآن و حدیث بشناسد و گنجایش مفهومی واژگان حرص و کاربرد آن در دو قسم متضاد و متقابل را به پژوهشگران نشان دهد. در احادیث اهل بیت (ع) هر دو ساحت حرص مذموم و ممدوح، آموزش داده شده است. در این میان عالم آل محمد (ع) امام رضا (ع) و اثره حرص را در هر دو قسم متقابل آن به کاربرده اند. با دقت در کاربردها و کارکردهای واژه حرص در گفتار ثامن الحجج (ع) می‌توان ابعاد حرص را به طور کامل شناخت. در این پژوهش تمامی احادیث رضوی (ع) که در آن واژه حرص بوده است از کتاب‌های حدیثی معتبر استخراج شده و حقایق و پیام‌های نهفته در آن استنباط می‌شود. در پرتو مفهوم شناسی واژه حرص در حدیث امام معصوم علی بن موسی الرضا (ع)، می‌توان "حرص مذموم" را شناخت و از آن رهایی یافت و "حرص ممدوح" را شناخت و به آن آراسته شد.

حرص در لغت عرب

مطالعه کتاب‌های لغت عرب روشنگر این واقعیت است که واژه حرص به معنای رغبت فراوان و بیش از اندازه و افراط و زیاده روی و شدت در میل و اراده (احمد بن فارس، ۱۳۸۷: ۲۱۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ هـ. ق: ۱۱۳؛ خوری شرتونی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۸۱؛ البستانی، ۱۹۷۳: ۱۲۶) و کوشش و اجتهاد و تلاش حداکثری و در حد توان برای رسیدن به مطلوب و علاقه شدید و نشاط فراوان و دلدادگی و عشق به چیزی است (جرجانی، ۱۳۰۶ هـ. ق: ۳۸). معادل حرص در انگلیسی eager desire (سرودلیر، ۱۳۹۰: ۱۱۷ و

(۱۹۹) و to be ambitious (آیت الله زاده شیرازی و دیگران، ۱۳۶۳: ۳۷۱) و greed, cupidity, avarice (آریان پور، ۱۳۶۲: ۴۱۸) و در فرانسوی ambitlonner (آیت الله زاده شیرازی و دیگران، ۱۳۶۳: ۱۳۷۱) است. در لغت نامه‌های فارسی نیز حرص در همین گستره و قلمرو مفهومی به کار رفته است. بنابراین حرص در لغت لزوماً بار منفی ندارد و از رذایل اخلاقی نیست. با توجه به انگیزه و انگیزه و هدف و متعلق و مطلوب حرص است که می‌توان آن را رذیلت یا فضیلت شمرد و نکوهش یا ستایش کرد. ورود واژه "شره" به معنای میل در کنار اراده برای بیان معنای حرص در گزارش راغب اصفهانی و ابن منظور، حاکی از وسعت مفهومی حرص است و به ظرفیت استعمال واژه حرص در دو بعد مثبت و منفی اشاره دارد.

واژگان مترادف

در قرآن و احادیث الفاظی مترادف حرص با معنایی نزدیک به حرص وجود دارد، هلوع و شح و شره و نهمه از این واژگان است. در المفردات فی غریب القرآن درباره شح آمده: الشح بخل مع حرص (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ هـ. ق: ۲۵۶)؛ شح، بخل همراه با حرص است. در تبیین معنای نهمه چنین آمده است: ولوع بشیء. بلوغ الهمه فی شیء (احمد بن فارس بن زکریا، ۱۳۸۷: ۹۷۸). بسیار شیفته و بسیار عاشق و دل‌باخته و بی‌قرار چیزی بودن. تمام همت را در چیزی مصرف کردن. شره به معنای میل شدید و حرص فراوان است. (مسعود، ۱۳۹۲: ۴۶۵؛ افرام البستانی، ۱۳۶۲: ۲۸۰) خوری شرتونی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۱: ۵۸۷؛ معین، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۰۴۱).

کاربرد حرص در زبان فارسی

حرص در لغت نامه‌های فارسی به معنای آز، آزمندی (معین، ۱۳۶۲، ج ۱: ۴۵ و ۱۳۴۸) شوق بسیار و رغبت به چیزی، آرزو، خواهش بسیار (عمید، ۱۳۶۳: ۲۴ و ۵۲۱) بخل ورزیدن، علاقه شدید، احتیاط و مواظبت (عبدالله، ۱۳۸۰: ۱۲۶) آزوری، آزمندشدن، آزرور شدن، ولع، طمع، زیادت جویی، خواستار بودن چیزی با به کاربردن کوشش بسیار برای رسیدن به آن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶: ۸۸۴۵). در متون فارسی کهن حرص در مفهوم گسترده و عام آن آمده و در مفهوم مثبت نیز به کار رفته است. در کلیله و دمنه درباره حرص بر تعلم و علم و هنر چنین آمده است: به رغبتی صادق و حرصی غالب در تعلم آن کوشیدم... و حرص تو در جای علم و کسب هنر مقرر (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶: ۸۸۴۴ و ۸۸۴۵). بیهقی نیز در حرص بر تاریخ نگاری نوشته است: چون در این روز، کار این تاریخ کردن گرفتم حرصم زیادت شد (بیهقی، بی تا: ۱۰۴).

مفهوم اصطلاحی حرص در نظر علمای اخلاق اسلامی

شاید بر اثر کثرت احادیث در باره حرص ناپسندیده و مذموم و رواج حرص بد و زشت در میان مردم که غالباً در مواردی به کار رفته که شایسته سرزنش است، واژه حرص در علم اخلاق اسلامی بار منفی دارد و از رذایل اخلاقی است. غزالی در «کتاب ذم المال» از احیاء علوم الدین در عنوان "بیان ذم الحرص و الطمع" حرص ورزیدن بر اکتساب مال از هر راه و به هر گونه و هر شکل را ریشه آلودگی به اخلاق ناپسند و ارتکاب منکرات شمرده است (غزالی، بی تا، ج ۳: ۲۳۱) و فیض کاشانی نیز در المحجبه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، همان مطالب را آورده و چیزی بر آن نیفزوده است (فیض کاشانی، بی تا، ج ۶: ۵۰). مؤلف تهذیب الاخلاق

و تطهیر الاعراق، حرص را بر جمع آوری مال و ثروت و حرص در کسب طلا و نقره استعمال کرده است (ابن مسکویه، ۱۳۸۴: ۴۴ و ۱۴۱). مؤلف روضة العقلا، و نزهة الفضلاء در قرن چهارم هجری تنها از لزوم برانگیختن انسان‌های عاقل بر اجتناب از حرص سخن گفته است (البستی، ۱۳۹۵ هـ.ق: ۱۲۹ - ۱۳۲). در جامع السعادات در تعریف حرص آمده: هو معنی راتب فی النفس باعث علی جمیع ما لا یحتاج الیه و لا یفیده من الاموال، من دون ان ینتهی الی حد یکتفی به و هو اقوی شعب حب الدنیا و اشهر انواعه و لاریب فی کونه ملکه مهلکه و صفة مضله (محمد مهدی نراقی، ۱۳۸۵ هـ.ق، ج ۲: ۱۰۲). حرص معنایی استوار در نفس است که بر انگیزاننده انسان است بر جمیع آن چه به آن احتیاج ندارد و برای او سود ندارد از اموال، بدون این که به حدی که به آن اکتفا شود منتهی گردد و حرص از قوی‌ترین شعبه‌های دوست داشتن و حب الدنیا و مشهورترین انواع آن است و تردیدی نیست در این که حرص ملکه‌ای هلاک‌کننده و صفتی گمراه‌کننده است. مؤلف معراج السعادة همین گفتار پدر را در تعریف حرص آورده است. وی در عنوان حرص و مفاسد آن می‌نویسد: صفتی است نفسانیه که آدمی را وامی‌دارد بر جمع نمودن زاید از آن چه به آن احتیاج دارد و این صفت یکی از شعب حب دنیا و از جمله صفات مهلکه و اخلاق مضله است بلکه این صفت جنبه بیابانی است کران‌ناپیدا که از هر طرف روی به جایی نرسی و وادی آیت است بی‌انتهای که هر چند در آن فرو روی عمق آن را نیابی. بیچاره‌ای که بر آن گرفتار شد گمراه و هلاک شد (نراقی، ۱۳۹۰: ۳۲۹). در کتاب شرح حدیث جنود و عقل و جهل، در تبیین حرص چنین آمده است: حقیقت حرص، از شدت توقان نفس به دنیا و شئون آن و کثرت تمسک به اسباب و توجه قلب به اهل دنیا و کثرات لازمه آن

است (خمینی، ۱۳۷۷: ۲۱۷) در کتاب اخلاق اسلامی نیز چنین آمده است: حرص عبارت است از شدت اشتیاق نفس به دنیا و شئون آن و کثرت توسل جستن به اسباب هر گونه که باشد با نظر استقلالی (تهرانی، ۱۳۹۷ هـ.ق، ج ۱: ۲۲۸). مؤلف دیگری در کتاب اخلاق اسلامی اش حرص را از رذایل اخلاقی می‌شمارد و آن را به دل در گرو مادیات نهادن تعریف می‌کند (سادات، ۱۳۶۵: ۲۲۲). غزالی و فیض کاشانی تعریف دقیقی از حرص ارائه نکرده‌اند. در سنامه علم اخلاق حوزه‌های علمیه خواهران می‌نویسد: حرص صفتی سیری ناپذیر است که انسان را وادار می‌کند بیش از حد نیاز ثروت جمع کند. این صفت ناپسند یکی از جلوه‌های دنیا دوستی است (جباران، ۱۳۹۱: ۸۴ و ۸۵). در اخلاق ناصری آمده: سعادت مشتمل بر چهار جنس است که آن را اجناس فضایل خوانند و آن حکمت و شجاعت و عفت و عدالت بود (طوسی، ۱۳۶۴: ۸۳ و ۸۴). وی در تبیین اجناس رذایل می‌گوید: چون فضایل در چهار جنس محصور است اضداد آن که اجناس رذایل بود در بادی النظر هم چهار تواند بود و آن جهل باشد که ضد حکمت است و جبن که ضد شجاعت است و شره که ضد عفت است و جور که ضد عدالت است (همان: ۱۱۷). بنابراین وی شره را که به معنای میل است و مترادف با حرص یا بخشی از حرص است ضد عفت می‌داند و در تعریف شره می‌نویسد: و اما شره و آن در اطراف افراط است، ولوع باشد بر لذات زیادت از مقدار واجب (همان: ۱۱۹ و ۱۲۰) وی نظر ارسطاطالیس درباره سعادت در نگاه حریص را چنین می‌نویسد: حریص سعادت را در تمکن از راندن شهوت داند (همان: ۸۴). در نظریه خواجه نصیرالدین طوسی حرص الهی و مایه قرب به خدای متعال نیز وجود دارد. او در شمارش مقامات قرب به حضرت الهیت و استعداد آن‌ها، به حرص مثبت روی

می آورد. او منازل و مقامات قرب به حضرت الهیت را چهار مقام می داند، مقام اهل یقین و اهل احسان و مقام ابرار و مقام اهل فوز وی پس از شمارش این مقامات می نویسد: استعداد این منازل به چهار خصلت باشد: اول حرص و نشاط در طلب، دوم اقتضای علوم حقیقی و معارف یقینی، و سیم حیا از جهل و نقصان و قریحتی که نتیجه اهمال بود، و چهارم ملازمت سلوک طریق فضایل به حسب طاقت و این اسباب را اسباب اتصال خوانند به حضرت عزت (همان: ۱۴۲)

بنابراین حرص در تبیین علمای اخلاق اسلامی، در حرص ناپسندیده و زشت و بد و حرام که از رذایل اخلاقی است به کار رفته و به شدت نکوهش و سرزنش شده است و حرص ممدوح و زیبا و از مکارم و فضایل اخلاقی از سوی مولفان اخلاق اسلامی جز خواجه طوسی مورد غفلت قرار گرفته است. آری حرص در دانش اخلاق تنها در حرص شرّ و در حرص در مسیر دنیا پرستی و ثروت خواهی و تمایلات دنیوی و رغبت و میل شدید به امور زشت و ناپسندیده تعریف شده است و همواره در گروه رذایل اخلاقی و صفات بد قرار گرفته است این پژوهش روشن می کند که چنین تعریفی با قرآن و سنت و حدیث اهل بیت^(ع) و گفتار امام رضا^(ع) سازگار نیست.

حرص در قرآن

در آیات قرآن پنج بار واژگان حرص آمده است که چهار مورد آن در تبیین حرص ممدوح و مثبت است و تنها یک بار در حرص مذموم و منفی استعمال شده است. در سه آیه قرآن پیامبر خدا حضرت محمد^(ص) که به نص قرآن دارای اخلاق عظیم و برجسته است (القلم، ۴) با صفت حریص و دارای حرص شناخته شده است. در سوره توبه رسول الله چنین معرفی شده است: لقد جائکم رسول

من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمومنین رؤوف رحیم (التوبه ، ۱۲۸). به یقین رسولی از خود شما به سوی شما آمد که رنج‌های شما بر او سخت است، حریص بر شماست و اصرار بر هدایت شما دارد و به مومنان رؤوف و مهربان است. در این آیه به صراحت از رسول الله با صفت حریص یاد شده است. در سوره دیگر در توصیف حرص پیامبر بر ایمان آوردن مردم چنین آمده است: وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ (یوسف ، ۱۰۳). و بیشتر مردم هر چند حرص بورزی و اصرار داشته باشی، ایمان نمی‌آورند. در آیه دیگر نیز با عبارت: إِنَّ تَحْرِيصَ عَلَيَّ هُدَاهُمْ (النحل ، ۳۷). بر حرص پیامبر بر هدایت مردم تصریح شده است. بنابراین در سه آیه قرآن نص بر حرص رسول الله وجود دارد و در این آیات محکّمات درجه عالی حرص که از فضایل و مکارم اخلاقی است برای حضرت محمد (ص) ثابت شده است. در سوره نساء نیز سخن از حرص بر رعایت عدالت بین همسران است (النساء ، ۱۲۹). تنها یک بار در حرص بر حیات دنیوی و اندوختن مال و ثروت به کار رفته و یهودیان این گونه توصیف شده‌اند: وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةِ الْبَقْرَةِ (البقره ، ۹۶). آنان را حریص‌ترین مردم حتی حریص‌تر از مشرکان بر زندگی این دنیا و اندوختن ثروت خواهی یافت. با درنگ در کارکردهای واژگان حرص در این پنج آیه، توسعه مفهومی حرص در ممدوح و مذموم آن اثبات می‌شود. حرص در چهار آیه نمایانگر حرص بر ایمان و هدایت و عدالت است و تنها در یک آیه در حرص بر دنیا و ثروت و زندگی دنیوی به کار رفته است. بنابراین حرص اختصاص به حرص مذموم و منفی ندارد و لزوماً از رذایل اخلاقی نیست بلکه امکان دارد حرص ممدوح و مثبت و از فضایل اخلاقی باشد.

حرص و هلوع

واژه مترادف با "حرص" در قرآن واژه "هلوع" است. هلوع را اهل لغت، شبه حرص و شدت حرص و حریص دانسته‌اند؛ (احمد ابن فارس بن زکریا، ۱۳۸۷: ۹۹۸؛ خوری شرتونی، ۱۴۰۳ هـ.ق: ۴۲۵؛ جرّ، ۱۳۷۳، ج ۲: ۲۱۳۲؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ هـ.ق، ج ۸: ۳۷۵) و اهل تفسیر (طبرسی ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۳: ۳۵۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۲ هـ.ق، ج ۵: ۲۲۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۲۷: ۲۵).

خدای سبحان می‌فرماید: **إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا** (المعارج، ۱۹). به یقین انسان حریص و کم طاقت آفریده شده است. به حکم این آیه حرص و هلوع را خداوند در نهاد انسان قرار داده است و انسان با حرص خلق شده و حرص از انسان تفکیک ناپذیر است. اگر حرص فقط در حرص مذموم به کار رود لازم می‌آید خداوند انسان را بر ذیلت اخلاقی حرص آفریده باشد و این با حکمت الهی و نظام احسن هماهنگ نیست. بنابراین حرص در انحصار حرص ناپسندیده نیست. علامه طباطبایی در باره وجود وصف هلوع در خلقت انسان نوشته است: صفت هلوع که خدا انسان را بر آن آفریده است نعمت و فضیلت است و این انسان است که آن را از فضیلت به رذیلت و از نعمت به نعمت خارج می‌کند و مذمت انسان به صفت هلوع از نظر سوء تدبیر انسان است نه از حیث این که هلوع فعل خداوند است. استثناء مؤمنان در آیه ۲۲ سوره معارج به این دلیل نیست که صفت هلوع در مؤمنان خلق نشده است بلکه به این دلیل است که آن‌ها صفت هلوع را بر کمال آن باقی داشته‌اند و آن را به رذیلت و نعمت تبدیل نکرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۷ هـ.ق، ج ۲۰: ۸۴). با بررسی مفاد آیات حرص و هلوع در قرآن، حقیقت حرص شناخته می‌شود. حرص و هلوع بودن را خدا در نهاد انسان‌ها قرار داده

است تا وی با کمک عقل و شرع، حرص را در جهت خیر و جدایی از شرّ به کار ببرد.

فصل حرص در کتب حدیثی

با این که حرص در کلام معصومین^(ع) در حرص ممدوح و حرص مذموم هر دو استعمال شده است و کارکردها و کاربرد آن در حدیث در انحصار حرص ناپسندیده نیست، اما در منابع و کتب حدیثی از حرص تنها در ذایل اخلاقی و با عناوین منفی یاد شده است. احادیث ارزش گذاری بر حرص و تبیین مصادیق ممدوح آن درون کتب حدیثی در فصل های گوناگون جای گرفته است اما همراه با عنوان حرص و در باب حرص نیامده است. ثقه الاسلام کلینی رازی در الکافی باب «حب الدنيا والحرص علیها» تعداد ۱۷ حدیث ذکر کرده است و هیچ حدیثی در مدح حرص ندارد (کلینی، ۱۴۰۱ ه.ق، ج ۲: ۳۱۵ - ۳۲۰) شیخ حر عاملی در وسایل الشیعه باب «کراهه الحرص علی الدنيا» حدیثی از قسم حرص ممدوح نیآورده است (حر عاملی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۱۱: ۳۱۸) علامه مجلسی در بحار الانوار باب «الحرص و طول الامل» ۳۱ حدیث آورده و حدیثی در مدح حرص قرار نداده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۷۳: ۱۳۰ - ۱۷۶). شیخ عباس قمی در سفینه البحار در واژه حرص، از حرص ممدوح حدیث نیآورده است (قمی، بی تا، ج ۱: ۲۴۲ و ۲۴۳). در این پژوهش با پایبندی به واژگان حرص دو قسم و دو صفت حرص ممدوح و ممدوح از قرآن و حدیث استنباط شده است و می تواند فصل جدید و عنوان جامعی برای حرص در کتب حدیثی بگشاید.

حرص ناپسندیده و حرص پسندیده در اخلاق رضوی^(ع)

واژگان حرص در کلام امام رضا^(ع) در مفهوم و مصداق متقابل و متضاد به

کاررفته است. عالم آل محمد^(ع) هم از حرص نهی کرده‌اند و هم بر حرص امر نموده‌اند. بنابراین حرص در اخلاق و فرهنگ رضوی دو قسم است.

الف - حرص زشت و ویرانگر

علاقه بی حد و حساب به جمع آوری ثروت و رغبت شدید به اندوختن اموال، نیرومندترین و مشهورترین قسم از حبّ دنیا است. پول دوستی بی پایان و ثروت اندوزی بی نهایت، علت غرق شدن در دنیاگرایی و عامل هلاکت و نابودی است. امام رضا^(ع) فرموده‌اند: **إِيَّاكُمْ وَالْحَرِصَ وَالْحَسِدَ فَإِنَّهُمَا أَهْلُكَ الْأُمَمُ السَّابِقَهُ** (الفقه الرضا^(ع)، ۱۴۰۶ هـ. ق: ۳۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۸: ۳۴۶). از حرص و حسد بپرهیزید و دوری کنید، همانا آن دو، امت‌های پیشین را هلاک و نابود کرده‌اند. مطابق این حدیث رضوی زیان حرص آن قدر زیاد است که منتهی به هلاکت امت‌ها شده است. حرص در رفاه طلبی و سرمایه داری و افزون خواهی های مادی عمومی، تنها افراد را نابود نمی‌کند بلکه عامل نابودی امت‌ها و حکومت‌ها و تمدن‌هاست.

با دعوت به زهد و قناعت و تقوا و بازداشتن مردمان از روی آوردن به انباشت ثروت و کالا و بامبارزه با زرق و برق دنیا و تجمل‌گرایی و تشریفات دنیوی، می‌توان قدری حرص آنان را محدود و کنترل کرد.

علاقه شدید و تمایل فراوان به ثروت و سرمایه، عامل آلودگی انسان‌ها به روش‌های کثیف و راه‌های ننگین و ابزارهای پلید برای رسیدن به هدف‌های مادی است و باعث سقوط فرد و جامعه می‌شود. رباخواری، دزدی، رشوه خواری، ظلم اقتصادی، قتل، قاچاق فروشی، غارت و چپاول اموال عمومی، خودفروشی، جاسوسی، رواج فحشا، کم‌فروشی، غل و غش، فریبکاری و... راهکارهایی

است که حریص با آن هابه جمع آوری مال و ثروت می پردازد. بنابراین حرص موجب پیدایش و گسترش فساد اقتصادی و در نهایت سقوط اخلاقی و هلاکت است. این حرص فضیلت ها و مکارم و ارزش های اخلاقی را از بین می برد. همین لوازم ایجابی و سلبی حرص بر دنیا طلبی که همواره با حرص است و از آن جدانمی شود عوامل و علل هلاکت امت هاست. امام رضا^(ع) نیز با آگاهی و شناخت این لوازم تفکیک ناپذیر حرص، مسلمانان را از حرص بر حذر داشته و اثرنهایی حرص ورزی عمومی را که هلاکت امت هاست بیان کرده اند.

در حدیث دیگر امام رضا^(ع) فرموده اند: لَا تُحَدِّثُوا أَنْفُسَكُمْ بِالْفَقْرِ وَلَا بِطُولِ الْعُمْرِ فَإِنَّهُ مَنْ حَدَّثَ نَفْسَهُ بِالْفَقْرِ بَخِلَ وَمَنْ حَدَّثَهَا بِطُولِ الْعُمْرِ حَرَصَ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۳۴۶). به خودتان از فقر و طول عمر سخن مگویید، هر کس به خودش از فقر سخن بگوید بخیل شود و هر کس به آن از طول عمر سخن گوید حریص گردد. مطابق این حدیث رضوی، ترس از فقر عامل بخل است و وحشت از ناداری، دستن انسانی را می بندد و او را از سخاوت و انفاق در راه خدامحروم می کند. سخن گفتن از طول عمر نیز انسان را حریص با رمی آورد. تلقین عمر طولانی به نفس را نشدنی، موجب افزایش روحیه دنیاگرایی و خودخواهی انسان می شود و علاقه شدید به جمع آوری مال و ثروت و پاسداری از آن، انسان را از خدا و کار برای آخرت بازمی دارد. محمد بن اسماعیل بن بزیع گفته است امام رضا^(ع) فرمود: لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالِ خَمْسٍ: بِبُخْلِ شَدِيدٍ وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ وَ حِرْصٍ غَالِبٍ وَ قَطِيعَةِ الرَّحْمِ وَ إِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۶۶؛ همان، ۱۴۰۳، هـ. ق: ۲۸۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳: ۱۳۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، هـ. ق: ۱۷: ۳۴؛ ج ۲۱: ۵۶۰؛ عروسی

الحویزی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۶۶۸؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۹۴؛ ابوالفضل علی الطبرسی، ۱۳۸۵: ۷۱؛ حسینی القزوبی، ۱۴۲۸ هـ. ق، ج ۵: ۳۵۸؛ مال جزبا پنج خصلت جمع نمی شود: بخل شدید و آرزوی طولانی و حرص غالب و قطع رحم و برتری دادن دنیا بر آخرت.

بدیهی است علاقه شدید به مال، موجب جمع آوری ثروت می شود. آدم حریص تمام هدف زندگانی اش گردآوری ثروت است و از هر راه نادرست و با هر وسیله و ابزاری برای رسیدن به همین هدف، شب و روز تلاش می کند و در آخر عمر، ثروت فراوان به دست آمده از راه های حرام را برای بهره برداری دیگران می گذارد و می رود.

ب - حرص زیبا و مقدس

حرص برای ثروت دنیا، ریاست، قدرت، شهوت و برای جلوه ها و مظاهر دنیاگرایی، حرص حیوانی، پلید، منکر و از رذایل اخلاقی است اما حرص برای دیگران و دلسوزی و علاقه شدید به کمک مالی به دیگران و قضای حوائج مومنان و سود رسانی به آنان و حل مشکلات انسان ها و هدایت و نجات آنان، حرص مقدس، زیبا، معروف و از فضایل و مکارم اخلاقی است.

سیره و رفتار پیامبر خدا (ص) و اهل بیت (ع) بهترین سرمشق و نمونه برای بشریت در این نوع از حرص زیبا و مقدس است. امام رضا (ع)، خود پیشگام در چنین حرصی بوده اند و مسلمانان را به آراستگی به آن فراخوانده و فرموده اند: احرصوا علی قضاء حوائج المؤمنین و ادخال السرور علیهم و دفع المکره عنهم فانه لیس شیء من الاعمال عند الله عزوجل بعد الفرائض افضل من ادخال السرور علی المؤمن (الفقه الرضا (ع)، ۱۴۰۶ هـ. ق: ۳۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۷۸: ۳۴۷).

بر قضای حوائج مومنان و خوشحال کردن آنان و بر طرف کردن مکروه و بدی از آنان، حریص باشید. همانا بعد از انجام واجبات، در پیشگاه خدا کاری بهتر از شاد کردن مؤمن نیست.

این سخنان گهربار امام رضا^(ع) برای همیشه زنده و راهگشاست و در جهان امروز و در جامعه اسلامی آثار فوری کاربردی فراوانی در توسعه اقتصادی و پیشرفت مادی و معنوی و سعادت امت اسلامی دارد. در این حدیث شریف رضوی، مسلمانان جهان امر به حرص شده اند و امام هشتم^(ع) از آنان دعوت کرده اند که حریص باشند. اما نه حریص بر جمع آوری ثروت برای خویش، بلکه حریص بر کمک و یاری مومنان و بندگان خدا برای سه کار: «بر آوردن نیازهای مومنان»، «شادکامی قلبی آنان» و «دفع هرگونه بدی از آنان». امام رضا^(ع) در این حدیث با واژه «احرصوا» صیغه جمع فعل امر مخاطب، به جهانیان حرص بر «قضای حوائج مومنان» و «ادخال سرور بر مومنان» و «دفع مکروه از آنان» را آموزش داده اند. همین آموزش در سایر احادیث رضوی بدون واژه حرص ادامه یافته است که در سه عنوان به تفکیک ذکر می شود.

حرص بر آوردن حاجت مومنان

علاقه شدید به بر آوردن حاجات مومنان و تمایل زیاد به بر طرف کردن گرفتاری های آنان، نتیجه خودسازی و تهذیب نفس است. تبدیل حرص مادی و خود دوستی انسان به علاقه جدی و شدید به رفع مشکل مادی دیگران و انجام کارهای دیگران و تامین نیازهای اقتصادی مومنان، تحول ارزشمند در جهت گیری و متعلق حرص است و امام رضا^(ع) پیروان خویش را به همین تحول بزرگ روحی فرمان داده و فراخوانده اند.

این که انسان حرص بخورد و باعلاقه فراوان کوشش کند حاجت برادر مومن خویش را بر آورد و از او دستگیری کند، بسیار ارزشمند و زیباست. جوش خوردن و دویدن و تلاش بی پایان در راه مشکل گشایی مومنان و حاجت روایی آنان، دستور امام رضا^(ع) در این رهنمود جاویدان الهی است.

امام رضا^(ع) بر محتوا و کارکرد حرص ممدوح در بر آوردن حاجت مومنان، با واژگان دیگر نیز تاکید کرده‌اند. در حدیثی فرموده‌اند: لَا يَتِمُّ عَقْلُ امْرَأٍ مُسْلِمٍ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ... لَا يَسْأَمُ مِنْ طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَيْهِ (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۳۳۵: ۷۸؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ هـ. ق: ۴۴۳؛ حسینی قزوینی، ۱۴۲۸ هـ. ق، ج ۵: ۳۵۲)؛ عقل انسان مسلم کامل نمی‌شود تا این که ۱۰ خصلت در او باشد: ... از حاجت خواستن مردم از او ملول و رنجور نشود. بر اساس این گفتار امام هشتم^(ع)، خوشنودی و نشاط در راه روا کردن حاجات مردم از نشانه‌های کمال عقل هر مسلمان است. روی آوردن مردم به انسان برای طرح نیازهای گوناگون خویش، نباید انسان را ناراحت و عصبانی کند زیرا کمال عقل در تلاش برای پاسخ درست به نیازهای مردم و تامین حاجت‌های آنان است.

در حدیث دیگر امام رضا^(ع) مهرورزی را حاصل خردمندی دانسته و فرموده‌اند: التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ (کلینی، ۱۴۰۱ هـ. ق، ج ۲: ۶۴۳؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۳۳۵: ۷۸؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ هـ. ق: ۴۴۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ. ق، ج ۵۲: ۱۲؛ قمی، ۱۴۱۷ هـ. ق: ۲۲۱)؛ اظهار دوستی به مردم نیمی از عقل است. بر طبق این حدیث، مهرورزی نسبت به مردم و رعایت لوازم مهرورزی آن قدر ارزش دارد که نشانه‌ای بزرگ برای خردورزی و برابر با نصف عقل است.

در حدیث دیگر امام رضا (ع) از رسول خدا (ص) چنین نقل کرده‌اند: رأسُ العَقلِ بعدَ الايمانِ باللهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ وَاصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ (ابن بابویه، ۱۳۷۸ هـ. ق، ج ۲: ۳۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۷۴: ۳۹۲ و ۴۰۹؛ العروسی الحویزی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۵۲۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ. ق، ج ۱۶: ۲۹۵)؛ سر عقل پس از ایمان به خدا، مهربانی کردن به مردم، و نیکی و دوستی و خیر خواهی برای هر نیکوکار و بدکار است.

در حدیث دیگر امام رضا (ع) فرموده‌اند: اجلُ الخَلائقِ واکرُمُها اصْطِنَاعُ المَعروفِ وَاغَاثَةُ المَلُوفِ وَتَحْقِيقُ اَمَلِ الآمِلِ وَتَصْدِيقُ رَجاءِ الرَّاجِیِ وَالاِسْتِکْتِنارِ مِنَ الاَصْدِقاءِ فِی الحِیاهِ وَالبَکِیْنِ بَعْدَ الوَفاءِ (الحلوانی، ۱۳۸۳: ۲۰۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۷۸: ۳۵۵ و ۳۵۷؛ الدیلمی، ۱۴۱۴ هـ. ق: ۳۰۸؛ الحلی، ۱۴۰۸ هـ. ق: ۲۹۹). بزرگ‌ترین و گرامی‌ترین صفت‌ها، نیکی کردن به دیگران و پناه دادن به بی‌پناهان و فریادرسی غم‌دیدگان و رنج‌دیدگان و تحقق بخشیدن آرزوی آرزومندان و امیدواران و افزون ساختن دوستان در زندگی و گریه‌کنندگان پس از مرگ است. آن چه در این حدیث رضوی جلیل‌ترین و گرامی‌ترین صفت‌ها شناخته شده است از مظاهر و آثار حرص در بر آوردن حاجت‌های مومنان است.

امام هشتم (ع) در رهنمودی دیگر فرموده‌اند: عَوْنُکَ لِلضَّعیفِ اَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَه (ابن بابویه، ۱۳۷۸ هـ. ق، ج ۲: ۳۱ و ۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۷۸: ۳۳۹؛ القمی، ۱۴۰۷ هـ. ق: ۲۲۱). کمک توبه ضعیف و یاری ناتوان بهتر از صدقه است. به حکم این حدیث رضوی، هر چه صدقه ثواب داشته باشد یاری ناتوان بالاتر از آن را دارد.

انجام دادن کار مؤمن و برآوردن حاجت او و رفع مشکلات او و حل مسائل او و گشودن گره‌های او در فرهنگ رضوی ارزش و اهمیت بسیاری دارد. در حدیث پیشین امام رضا(ع) امر کرده‌اند پیروان شان حریص بر برآوردن حاجت مومنان باشند.

از امام رضا(ع) سؤال شد: حق مؤمن بر مؤمن چیست؟ امام فرمودند: انَّ مِنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ الْمَوَدَّةَ لَهُ فِي صَدْرِهِ، وَالْمُؤَاسَاةَ لَهُ فِي مَالِهِ، وَالنُّصْرَةَ لَهُ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ... مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا كَانَ أَفْضَلَ مِنْ عَتَقَ رَقَبَةً، وَمَنْ سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَمًا سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ، وَمَنْ كَسَى مُؤْمِنًا مِنْ عُرَى كَسَاهُ اللَّهُ مِنْ سُنْدُسٍ وَحَرِيرِ الْجَنَّةِ... وَمَنْ قَضَى لِمُؤْمِنٍ حَاجَةً كَانَ أَفْضَلَ مِنْ صِيَامِهِ وَاعْتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ۷۴؛ ۲۳۲ و ۲۳۳؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۷، ج ۹؛ ۴۵؛ حسینی القزوینی، ۱۴۲۸، ج ۵؛ ۴۷۹ و ۴۸۰)؛ از حق مؤمن بر مؤمن، مودت قلبی و دوست داشتن اوست در سینه‌اش، و مواسات و همدردی و کمک مالی به اوست، و یاری او بر کسی است که به او ستم کرده است... هرکس مؤمنی را اطعام کند از آزادی برده برتر است، و هرکس مؤمنی را از تشنگی برهاند و سیراب کند خداوند او را از شراب طهور زلال دست نخورده و سر بسته در بهشت سیراب خواهد کرد و هرکس مؤمنی را از برهنگی اش برهاند و او را بپوشاند خداوند او را از لباس دیبا و حریر بهشت می پوشاند... و هرکس حاجت مؤمنی را برآورده کند، از روزه و اعتکافش در مسجد الحرام بهتر است. در این حدیث رضوی حقوق شناسی، برآوردن حاجت مؤمن از روزه و اعتکاف در مسجد الحرام بالاتر قرار گرفته است و مصادیق و نمونه‌هایی از اقدامات در تأمین نیازهای مومنان نیز از قبیل مواسات و اطعام و اسقاء همراه اجر

آن آموزش داده شده است. معمر بن خلاد گفته است شنیدم امام رضا (ع) فرمود: **انَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ يَسْعُونَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ الْآمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ** (کلینی، ۱۴۰۱ هـ.ق، ج ۲: ۱۹۷؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۷۴: ۳۳۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ج ۱۶: ۳۶۶؛ حسینی قزوینی ۱۴۲۸ هـ.ق، ج ۵: ۴۸۱)؛ برای خدا در زمین بندگان است که در راه تأمین حوائج مردم سعی می‌کنند آنان روز قیامت در امان‌اند.

امام رضا (ع) نقل کرده‌اند: رسول خدا (ص) درباره خیر خواهی، آموزش و تربیت خیر فرموده‌اند که: **اصْطَنَعَ الْخَيْرَ إِلَى مَنْ هُوَ أَهْلُهُ وَالْإِي مَن هُوَ غَيْرِ أَهْلِهِ، فَإِنَّ لَمْ تَصْبِ مِنْهُ هُوَ أَهْلُهُ فَإِنَّ أَهْلَهُ** (ابن بابویه ۱۳۷۸ هـ.ق، ج ۲: ۳۵ و ۶۸؛ العروسی الحویزی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۵۲۱؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ج ۱۶: ۲۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۷۴: ۴۰۹)؛ خیر را برای هر کسی که اهل آن است و هر کس غیر اهل آن است بخواه و بساز، پس اگر به کسی که اهل آن است نرسی تو اهل آن هستی!

حرص بر مسرور و خوشحال کردن مومنان

حرص بر وارد کردن سرور بردل مومنان نیز دستور امام رضا (ع) است. علاقه شدید به خوشحال کردن مومنان از مکارم اخلاقی است. حرص برای خشنودی و سرور مومنان و شادکامی قلبی آنان یک اصل ارزشمند در فرهنگ رضوی است. قطعاً انسان با ایمان تنها از کارهای خوب و انجام معروف خوشحال می‌شود. او هرگز از منکرات و گناهان و کارهای زشت شاد و خوشحال نمی‌شود. بنابراین فرمان به مسرور کردن قلبی مومنان، فرمان بر انجام کارهای معروف و اقدامات مشروع و ارزشمند و تلاش در راه تأمین حاجت‌های معقول و شرعی انسان‌های

با ایمان است. در حدیث پیشین امام رضا^(ع) با صیغه امر «احرصوا» همگان را بر حرص بر ادخال سرور بر مؤمنین فرمان داده و تشویق کرده‌اند. همین محتوا و همین دستور اخلاقی بدون واژه حرص بابه کارگیری واژگان دیگر در احادیث رضوی تبیین شده است.

امام رضا^(ع) در ارزش سروربخشی به اهل بیت مؤمن و گام برداشتن در راه تأمین حاجت مؤمن فرموده‌اند: *الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُؤْمِنٍ سُورًا وَمَشَى مَعَ أَخِيهِ فِي حَاجَتِهِ* (کلینی، ۱۴۰۱ هـ. ق، ج ۲: ۱۳۱؛ *الْفقه الرضا^(ع)*، ۱۴۰۶ هـ. ق: ۳۶۹)؛ انسان‌ها خانواده خدایند پس کسی که اهل بیت مؤمنی را شادمان و خوشحال سازد و با برادر مومنش برای تأمین حاجتش راه برود، بهترین انسان‌ها در پیشگاه خداوند است.

خوشحال کردن و شادکام ساختن و خشنود کردن مؤمن در فرهنگ رضوی سفارش شده و بسیار با ارزش است. در حدیث دیگر امام رضا^(ع) در ارزش شادمان کردن مؤمن فرموده‌اند: *فَطْرُكٌ لَا خِيكَ الْمُؤْمِنِ وَأَدْخَالُ السُّرُورِ عَلَيْهِ أَفْضَلُ مِنَ الصِّيَامِ وَأَعْظَمُ أَجْرًا* (ع مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۷۴: ۲۳۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ هـ. ق، ج ۹: ۴۵؛ حسینی قزوینی، ۱۴۲۸ هـ. ق، ج ۵: ۴۸۰)؛ افطاریات به برادر مؤمنت و شادمان سازی او، بهتر از روزه است و پاداش بزرگ تر دارد. در جای دیگر فرموده‌اند: *مَنْ تَبَسَّ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَمَنْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ* (القمی، ۱۴۰۲ هـ. ق: ۵۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ. ق، ج ۱۲: ۱۲۰؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۷ هـ. ق، ج ۱۲: ۱۸)؛ هرکس در سیمای برادر مومنش تبسم کند خداوند برای او حسنه می نویسد و هرکس خداوند برایش حسنه بنویسد، عذابش نخواهد کرد. معمر بن خلاد

گفته است شنیدم امام رضا^(ع) فرمود: مَنْ ادْخَلَ عَلَيَّ مُؤْمِنٌ سُرُورًا فَرَّجَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (کلینی، ۱۴۰۱ هـ.ق، ج ۲: ۱۹۷؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ج ۱۶: ۳۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۷۴: ۳۳۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ج ۵: ۶۶۶)؛ هر کس مؤمنی را خوشحال و شادمان کند، خداوند روز قیامت دلش را گشاده و شاد خواهد کرد. محمد بن اسماعیل گفته است امام رضا^(ع) صفات مومنان حقیقی درون دربار پادشاهان و اجر و پاداش آنان در پیشگاه خدا را تبیین کردند و در پایان پرسیدند: ما علی احدکم ان شاء ینال هذه کله؟ کدام یک از شما می خواهد به همه این ها برسد؟ عرض کردم: بماذا جعلنی الله فداک؟ به چه چیزی و چگونه؟ خداوند مرا فدای شما قرار دهد! امام رضا^(ع) فرمود: یکون معهم فیسرنا باذخال السرور علی المومنین من شیعتنا. (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۷۵: ۳۵۰ و ۳۸۱؛ دیلمی، ۱۴۱۴ هـ.ق: ۲۷۱؛ نجاشی، بی تا: ۳۳۱؛ العالمی الشامی، ۱۴۰۲ هـ.ق: ۶۵)؛ با آنان (در دربار پادشاهان) باشد پس ما را با ادخال سرور بر مؤمنین از شیعیان ما خوشحال کند. ابن مسکان گفته است: امام رضا^(ع) از امام باقر^(ع) چنین نقل کردند: فیما ناجی الله موسی^(ع) ان قال: ان لی عبادا ابیحهم جنتی و احکمهم فیها؛ خداوند در مناجات با موسی^(ع) فرمود: برایم بندگان است که بهشتم را برای آنان مباح و روا می شمارم و آنان را در بهشت حاکم قرار می دهم. موسی^(ع) پرسید: مَنْ هؤلاء الذین تبیحهم جنتک و تحکمهم فیها؟ کسانی که بهشت را بر آنان مباح می سازی و آنان را در بهشت حاکم می گردانی کیستند؟ قال: من ادخل علی مؤمن سرورا (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۷۴: ۳۰۶؛ راوندی، ۱۴۰۹ هـ.ق: ۱۶۵؛ حسینی قزوینی، ۱۴۲۸ هـ.ق، ج ۷: ۳۴۳ و ۳۴۳)؛ خدای عزوجل فرمود: کسی که مؤمنی را خوشحال کند.

امام رضا^(ع) ایجاد "فرح و سرور" در مومنان را بسیار با ارزش و بزرگ شمرده‌اند و با نقل کلام پیامبر و امام ششم این حقیقت را آموزش داده‌اند. امام رضا^(ع) نقل کرده‌اند پیامبر خدا^(ص) فرمودند: مَنْ ادْخَلَ عَلَيَّ مُؤْمِنًا فَرِحَ فَقَدْ ادْخَلَ عَلَيَّ فَرِحًا، وَ مَنْ ادْخَلَ عَلَيَّ فَرِحًا فَقَدْ اتَّخَذَ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا، جَاءَ مِنَ الْآمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (الفقه الرضا^(ع) ۱۴۰۶ هـ.ق: ۳۷۳)؛ هرکس مؤمنی را خوشحال کند مرا خوشحال کرده است، هرکس مرا خوشحال کند در نزد خداوند عهد و قراری گرفته است، و هرکس نزد خدا عهده‌ی بگیرد روز قیامت از آسایش و آرامش داران خواهد آمد. امام رضا^(ع) نقل کرده‌اند که امام صادق علیه السلام فرمودند: مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنِي، وَ مَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ^(ص) وَ مَنْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ^(ص) فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ وَ مَنْ سَرَّ اللَّهَ وَ مَنْ سَرَّ اللَّهَ ادْخَلَهُ الْجَنَّةَ (الفقه الرضا^(ع)، ۱۴۰۶ هـ.ق: ۳۷۴)؛ هر کس مؤمنی را مسرور و شادمان کند مرا شادمان کرده است و هرکس مرا شادمان کند، رسول الله^(ص) را شادمان کرده است، و هرکس رسول الله^(ص) را شادمان کند، خداوند را مسرور کرده است و هرکس خداوند را مسرور کند خداوند او را وارد بهشت کند.

حرص بردفع مکروه از مومنان

مکروه هر سخن و کاربرد، زشت و نفرت آور است هر آن چه از نظر طبع یا عقل یا شرع ناخوشایند باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ هـ.ق: ۴۲۹). امام رضا^(ع) حرص بردفع مکروه از مومنان را خواستار شده و به آن امر کرده و مسلمانان را بر آن تشویق کرده‌اند. علاقه شدید به بازگرداندن مکروه از مومنان و مهاربندی‌ها و اعمال نفرت آور نسبت به آنان، از صفت‌های زیبا و از اقسام حرص مقدس و ممدوح است. هر مسلمانی هر آن چه را برای خویش بد می‌شمارد باید برای مومنان هم بد

بشمارد و خود در برخورد با مومنان انجام ندهد و اگر دیگران نیز انجام دادند اقدام بردفع بدی و مکروه از آنان بکند. تمایل فراوان به این که به هیچ مؤمنی بد نگذرد و هیچ مؤمنی بد نبیند، حرص ممدوح و پسندیده است.

امام رضا^(ع) با صیغه امر «احرصوا» در پایان حدیث مثلث حرص ممدوح، دستور به حرص بردفع مکروه از مومنان داده‌اند. این مفهوم با ارزش، در رهنمودهای دیگر امام^(ع) نیز بیان شده است.

امام رضا^(ع) در ارزش اندوه زدایی از مومنان فرموده‌اند: مَنْ فَرَّجَ عَن مُّؤْمِنٍ كَرْبَةً مِنْ كَرْبِ الدُّنْيَا فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كَرْبَةً مِنْ كَرْبِ الْآخِرَةِ (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۷۴: ۲۳۳؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ج ۹: ۴۵)؛ هرکس اندوه و سختی و وضع ناگواری را از اندوه‌ها و ناگواری‌های دنیا از مؤمنی برطرف کند، خداوند اندوه و سختی و ناراحتی و ناگواری‌ای از اندوه‌های آخرت را از وی برطرف کند و بگشاید. اهل بیت^(ع) و اوصیای پیامبر اعظم^(ص) همچون رسول خدا^(ص) حرص بر هدایت مردم و عدالت و سعادت جهانیان داشته‌اند. همان طور که در سیره عملی و رفتار آنان همواره حرص بر دعوت به سوی ایمان و تقوی و تعلیم و تزکیه انسان‌ها مشاهده شده است، در گفتار پیامبر و اهل بیت نیز سفارش و تشویق بر حرص در خوبی‌ها و زیبایی‌ها وجود داشته است و مصادیق حرص ممدوح را نشان داده‌اند. و شاء نقل کرده است که امام رضا^(ع) فرمودند: مَنْ فَرَّجَ عَن مُّؤْمِنٍ فَرَّجَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (کلینی، ۱۴۰۱ هـ.ق، ج ۲: ۱۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۷۴: ۳۲۱)؛ هرکس در مشکل و سختی مؤمنی گشایشی کند و آن را باز کند خداوند دلش را روز قیامت گشاده و باز خواهد کرد.

مفهوم و مصادیق حرص در کلام معصومین^(ع)

فرمان امام رضا^(ع) بر حرص ورزیدن و به کاربردن صیغه فعل امر حاضر برای حریص بودن بر «قضای حوائج مؤمنین» و «ادخال سرور بر آنان» و «دفع مکروه از آنان» نشان دهنده گستره و ظرفیت مفهوم و مصداق حرص است. ایشان هم حرص را نکوهش کرده و مردم را از آن بازداشته‌اند و هم ستایش کرده و به آن واداشته‌اند. این نهی و امر بر حرص، انحصار حرص در منهی عنه را نفی کرده و حرص ماموریه را آموزش داده و آشکار می‌کند. بنابراین همان طور که حرص در حدیث و اخلاق رضوی مفهوم و مصداق مذموم دارد، مفهوم و مصداق ممدوح نیز دارد. همین مفهوم و مصداق و کارکردهای مثبت واژه حرص در احادیث رسول خدا^(ص) و امامان^(ع) تبیین شده است. دقت و تأمل در سرفصل‌های حرص ممدوح و مشروع و زیبا در احادیث پدران امام رضا^(ع) در حل مسئله این پژوهش و درک پاسخ پرسش اصلی این تحقیق آموزنده است.

پیامبر خدا^(ص) واژه حرص را در حرص بر عمل صالح (مجلسی، ج ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۲۷: ۷۸ و ۶۲) و حرص بر خیر و برکت (احمد حنبل، بی تا: ۳۶۶؛ متقی هندی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ج ۱۹: ۳۴۳، حدیث ۴۳۲۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۱: ۱۲۰) استعمال کرده‌اند.

امیر مومنان امام علی^(ع) در تبیین مفهوم و مصداق حرص، نمونه‌هایی از حرص ممدوح را ذکر کرده‌اند. وصی و خلیفه پیامبر خدا واژه حرص را در حرص بر ادای واجبات (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳: حدیث ۳۷۱۷) و حرص بر علم و فقه (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳ بخش ۱۹؛ کلینی، ۱۴۰۱ هـ.ق، ج ۶۷: ۲۷۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۶۷: ۲۷۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۱۵: ۱۸۷) و حرص بر عیب

شناسی خویش (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳ هـ.ق، ج ۲۰: ۳۰۵، حکمت ۴۹۹) و حرص بر کسب رضایت خدا (کلینی، ۱۴۰۱ هـ.ق، ج ۸: ۳۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۲۷: ۲۵۲ و ج ۳۴: ۱۸۴ و ج ۴۱: ۱۵۳؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶) و حرص بر آخرت (نهج البلاغه، نامه ۱۷) و حرص بر وحدت امت محمد (ص) (نهج البلاغه، نامه ۷۸؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۳۳: ۳۰۴) و حرص بر شنیدن (بحرانی، بی تا، ج ۵: ۳۸۹، حکمت ۲۷۳؛ فیض الاسلام، ۱۳۹۲ هـ.ق: ۱۲۲۶، حکمت ۲۸۱؛ دشتی، ۱۳۸۷: ۴۹۸، حکمت ۲۸۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳ هـ.ق، ج ۱۹: ۱۸۴، حکمت ۲۹۵؛ الکافی، ۱۴۰۱ هـ.ق، ج ۱: ۴۹۳؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴: ۶۳۹؛ شیخ مفید، بی تا: ۲۴۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۱: ۲۲۲ و ج ۲: ۴۳) و حرص در تقوی (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۷۸: ۲۵) به کار برده‌اند.

امام سجاده^(۴) نیز بر پاک سازی حرص از گناهان (صحیفه سجاده، دعای ۳۹) تاکید کرده و از مصادیق حرص مقدس، از حرص بر استفاده از ماه رمضان (همان، دعای ۴۵) یاد کرده‌اند. امام باقر^(ع) در وصیت به جابر بن یزید جعفری دستور بر حرص در منافسه بر درجات معنوی (الحرانی، ۱۴۰۴ هـ.ق: ۳۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۷۸: ۱۶۵) داده‌اند.

امام جعفر صادق^(ع) نیز از مصادیق حرص مقدس، حرص بر جهاد در راه خدا (کلینی، ۱۴۰۱ هـ.ق، ج ۲: ۲۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۶۷: ۲۷۱؛ اربلی، ۱۴۰۱ هـ.ق، ج ۱: ۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۱۹: ۱۱۷) و حرص بر ایثار (کلینی، ۱۴۰۱ هـ.ق، ج ۴: ۱۸؛ کوفی اهوازی، ۱۴۰۴ هـ.ق: ۴۴؛ حرعاملی، ج ۹: ۴۳۱، حدیث ۱۲۴۱۱؛ نوری، ۱۴۰۸ هـ.ق، ج ۷: ۲۱۱) را آموزش داده‌اند.

نتیجه گیری

حقیقتی که با دقت و تأمل در احادیث رضوی و اهل بیت^(ع) معطوف به نكوهش و ستایش حرص، روشن می شود این است که حرص مطلقاً بد نیست. تنها با حرص دنیوی و علاقه شدید به مال و ثروت دنیا و مظاهر یلید آن که مانع رشد، رستگاری و سعادت و مهرورزی به انسان هاست باید مبارزه کرد و آن را کنار گذاشت، اما حرص اخروی و تمایل به مهربانی و مهرورزی به بندگان خدا و علاقه فراوان به قضای حوائج مومنان و سروربخشی به آنان و دفع مکروه و بدی از آنان، همواره ارزشمند و مقدس و نشانه ایمان به خداست. بنابراین ما پیروان امام رضا^(ع) باید شیفته خدمت باشیم نه تشنه ثروت! با واکاوی معنای لغوی حرص در کتاب‌های لغت روشن شد حرص، زیاده روی در میل و اراده و تلاش فراوان و حداکثری و بزرگی و نیرومندی رغبت و شوق فراوان در انجام کار است. بنابراین حرص در ساختار لغوی در انحصار حرص منفی و ناپسندیده نیست. کاربردهای واژه حرص در آیات قرآن بررسی شد چهاربار در حرص بر خوبی‌ها و تنها یک بار در حرص ناپسندیده استعمال شده است. پس حرص در وحی الهی و آیات قرآنی نیز فقط در حرص زشت و بد قرار ندارد. تحلیل استعمال حرص در قرآن نشان داد در منطق قرآن کارکردهای حرص زیبا و مطلوب بیش از حرص منفی و زیان بار است. مطالعات حدیثی کاربردهای واژگان حرص با محوریت احادیث امام رضا^(ع)، نشان دهنده راه نو در تعریف حرص است. تحول در تبیین سرفصل حرص در اخلاق اسلامی ضرورت دارد. گرایش عمومی به سوی حرص بر سرمایه داری و کسب مال و ثروت و زندگی دنیوی و دنیاگرایی و قدرت و جاه و حشمت و طلا و نقره و پول و زراندوزی و شکم و شهوت و افزون خواهی و

لذت جویی و فعل حرام و گناهان، موجب کثرت طرح و نفی حرص در گفتار و رفتار اهل بیت (ع) شده است. این جریان، باعث انحصار عنوان مسئله حرص در کتاب‌های اخلاقی در رویکرد به سوی تحلیل حرص مذموم شده است.

در احادیث امام رضا (ع) و پدران ایشان واژه حرص در برآوردن حاجت مومنان، و شادمان ساختن و ادخال سرور بر آنان، و دفع مکروه و بدی از آنان، و حرص بر ادای واجبات، و حرص در فقه و علم، و حرص بر طی کردن درجات، و حرص در جهاد، و حرص در کسب رضایت خدا، و حرص در آخرت، و حرص بر وحدت امت محمد (ص)، و حرص بر شنیدن و استماع، و حرص بر کسب خیر و برکت در اذان و نماز جماعت، و حرص بر ایثار، و حرص بر خیر، و حرص بر بهره برداری از ماه رمضان، و حرص در تقوی، و حرص در عیب شناسی شخصی، استعمال شده است. بنابراین انحصار سرفصل حرص حتی در منابع حدیثی به عنوان حرص ناروا و مذموم، با کاربردهای واژه حرص در مصادیق زیبا و ممدوح مطابقت ندارد. شایسته است در تالیفات حدیثی نوین و در تدوین کتاب‌های اخلاقی جدید با توجه به این حقیقت، حرص در هر دو بعد متفاوت و متضاد و مخالف تبیین شود.

تنوع و تعداد زیاد مصادیق حرص ممدوح، شایسته تأمل و دقت است، زیرا با توجه به کارکردهای زیاد حرص زیبا، ضرورت درک توسعه مفهومی و مصداقی حرص بیشتر احساس می‌شود. خداوند حرص را در نهاد و ذات انسان قرار داده است و خلقت حکیمانه اقتضا می‌کند وجود حرص سراسر مذموم و بد نباشد و ظرفیت و استعداد به کارگیری حرص در جهت صحیح و خداپسند وجود داشته باشد. شکر نعمت حرص، پاک سازی آن از رذایل و گناهان و شرور و محرّمات،

و آراستگی آن به خیر و مکارم و واجبات و مستحبات است. حرص بر دنیا طبیعی و همگانی و عمومی است از این رو همواره از آن نهی شده است و حرص بر آخرت سخت و نیازمند تربیت است. بر همین اساس بر آن سفارش شده است. این اصل اخلاقی در کلام امام سجاد^(ع) یادآوری شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- صحیفه سجادیه.
- ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی، (۱۴۰۳ هـ.ق.)، الخصال، قم: منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
- ----- (۱۳۸۰)، عیون اخبار الرضا (ع)، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد، (۱۳۸۳ هـ.ق.) شرح نهج البلاغه، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن حنبل، احمد، (بی تا). مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت: المکتب الاسلامی و دارالصادر للطباعه و النشر.
- ابن شعبه الحرانی، ابومحمد حسن بن علی، (۱۴۰۴ هـ.ق.)، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب رازی، (۱۳۴۸)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم: انتشارات زاهدی.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، (۱۴۰۵ هـ.ق.)، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه.
- احمد بن فارس بن زکریا، ابوالحسن، (۱۳۸۷)، ترتیب مقایس اللغه، تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی (۱۴۰۱ ق.)، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، بیروت: دارالکتب الاسلامی.

- افرام البستانی، فؤاد، (۱۳۶۲) منجد الطلاب، فرهنگ جدید عربی به فارسی، ترجمه محمد بندریگی، تهران: انتشارات اسلامی.
- امام خمینی، روح الله، (۱۳۷۷)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- آریان پور کاشانی، عباس و منوچهر، (۱۳۶۲)، فرهنگ فشرده فارسی به انگلیسی، تهران: امیر کبیر.
- آیت الله زاده شیرازی، مرتضی، و دیگران، (۱۳۶۳)، مجمع اللغات، فرهنگ مصطلحات به چهار زبان عربی، فارسی، فرانسه، انگلیسی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بحرانی، کمال الدین میثم بن علی بن میثم، (بی تا)، شرح نهج البلاغه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- البستانی، کرم، (۱۹۷۳ م)، المنجد فی اللغه والاعلام، بیروت: دار المشرق.
- البستی، حافظ ابوحاتم محمد بن حیان، (۱۳۹۵ ق)، روضه العقلاء و نزهه العقلاء، تحقیق محمد محی الدین عبدالله، بیروت: دار الکتب العلمیه
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، غرر الحکم و درر الکلم، شرح جمال الدین محمد خوانساری، مقدمه و تصحیح و تعلیق، میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران.
- تهرانی، علی، (۱۳۹۷ ق)، اخلاق اسلامی، مشهد: کانون نشر کتاب.
- جباران، محمدرضا (۱۳۹۱)، درسنامه علم اخلاق، قم: مرکز نشر هاجر وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران.
- جر، خلیل، (۱۳۷۳) المعجم العربی الحدیث، فرهنگ عربی به فارسی، فرهنگ لاروس، ترجمه حمید طیبیان، تهران: امیر کبیر.

- جرجانی، علی بن محمد میرسید شریف، (۱۳۰۶ ق)، التعریفات، مصر: الخیریه.
- حرالعالمی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۳ ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسینی القزوینی، محمد و دیگران (۱۴۲۸ ق)، موسوعه الامام الرضا(ع)، قم: موسسه ولی عصر(عج).
- الحلی، علی بن یوسف، (۱۴۰۸ ق) العدد القویه لدفع المخاوف الیومیه، تحقیق مهدی الرجائی، قم: مکتبه آیت الله المرعشی العامه.
- خوری شرتونی لبنانی، سعید، (۱۴۰۳ ق)، اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، قم: منشورات مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
- دشتی، محمد، (۱۳۷۸)، ترجمه نهج البلاغه، قم: موسسه فرهنگي تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- الدیلمی، حسن بن ابی الحسن، (۱۴۱۴ هـ.ق)، اعلام الدین فی صفات المومنین، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل، (۱۴۰۴ هـ.ق)، المفردات فی غریب القرآن، قم، دفتر نشر کتاب.
- راوندی، قطب الدین سعید بن هبه الله، (۱۴۰۹ هـ.ق). قصص الانبیاء، قم: موسسه المفید.
- سادات، محمدعلی (۱۳۷۲)، اخلاق اسلامی، تهران: سمت.
- سرودلیر، عظیم، (۱۳۹۰)، فرهنگ اصلاحات عرفان و فلسفه اسلامی، مقدمه، محمدلگنهاوسن، مشهد: مرندیز.

- شیخ مفید، عبدالله محمدبن محمدبن نعمان عکبری بغدادی، (بی تا)، الاختصاص، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۷ هـ. ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طبرسی، ابوالفضل علی، (۱۳۸۵)، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، نجف: المکتبه الحیدریه.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (۱۴۰۳ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
- طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۸)، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تحقیق احمد حسینی، تنظیم محمود عادل، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین، (۱۳۶۴)، اخلاق ناصری، تصحیح و تعلیق مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- العاملی الشامی، زین الدین بن علی بن احمد، شهید ثانی، (۱۴۰۲ هـ. ق)، منیه المرید فی آداب المفیدوالمستفید، قم: المطبعه الخیام.
- عبدالله، ناصرعلی، (۱۳۸۰)، المعجم البسیط، فرهنگ روان عربی به فارسی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۳۸۳)، نورالتقلین، قم: المطبعه العلمیه.
- عمید، حسن، (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر.
- غزالی، محمدبن محمد، (بی تا)، احیاء علوم الدین، بیروت: دارالندوه الجدیده.

- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۷۵)، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم: انتشارات رضی.
- الفقه المنسوب للامام الرضا (ع) (۱۴۰۶ هـ. ق.)، تحقیق موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، مشهد: المؤتمر العالمی للامام الرضا (ع).
- فیض الاسلام، علی نقی، (۱۳۹۲ هـ. ق.)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: خط طاهر خوشنویس.
- فیض کاشانی، مولی محسن، (بی تا)، المحججه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ----- (۱۴۰۶ هـ. ق.) الوافی، اصفهان: مکتبه الامام امیر المومنین علی (ع).
- قمی، شیخ عباس، (۱۴۱۷ هـ. ق.)، الانوار البهیة فی تواریخ الحجج الالهیه، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۱۴۰۱ هـ. ق.)، الکافی، بیروت: دار صعب و دار التعارف للمطبوعات.
- کوفی اهوازی، حسین بن سعید، (۱۴۰۴ هـ. ق.)، المومن، قم: موسسه الامام المهدي (ع).
- المتقی الهندی، علاء الدین علی، (۱۴۱۹ هـ. ق.)، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، تحقیق محمود عمر الدمیاطی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ هـ. ق.)، بحار الانوار الجامعه لدور اخبار الائمه الاطهار (ع)، بیروت: موسسه الوفاء.
- مسعود، جبران، (۱۳۹۲)، الرائد، فرهنگ الفبایی عربی به فارسی، ترجمه رضا انزابی نژاد، مشهد: به نشر.
- معین، محمد، (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۲)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب

الاسلامیه.

- نجاشی ، ابوالعباس احمد بن علی (۱۴۰۷ ه ق)، رجال النجاشی تحقیق موسی شبیری زنجانی، قم:موسسه النشر الاسلامی لجماعه المدرسین.
- نراقی، احمد (۱۳۹۰)، معراج السعاده قم: طوبای محبت.
- نراقی، محمد مهدی، (۱۳۸۵ ق)، جامع السعادات، تصحیح و تعلیق محمد کلانتر، چاپ چهارم، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- نوری طبرسی، حسین، (۱۴۰۷ ه.ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل البيت(ع) لاحیاء التراث.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی